

راهنمای استفاده از کتاب

برای کسب بهترین نتیجه در امتحانات مدرسه گام‌های زیر را به ترتیب برای هر فصل طی کنید.

فیلم آموزشی

۱. برای استفاده از فیلم‌های آموزشی هر درس QR-Code های صفحه بعد را اسکن کنید.
۲. در هر درس مطالب کتاب درسی به طور کامل تدریس شده است.

گام

اول

درسنامه آموزشی

۱. ترجمه کلمه به کلمه و روان متن درس
۲. ارائه واژگان درس به همراه مترادف، متضاد، مشابه و جمع مکسر از متن درس و تمرین‌ها
۳. آموزش کامل قواعد هر درس بر اساس چارچوب کتاب درسی به همراه مثال
۴. ارائه قواعد تکمیلی با عنوان «ویژه علاقمندان» برای دانش‌آموزان علاقمند که مطالعه آن‌ها برای امتحانات ضروری نیست.
۵. ارائه سؤالات تشریحی به همراه پاسخ در آموزش قواعد
۶. ارائه مکالمه و پاسخ به تمرینات کتاب درسی به همراه ترجمه کلیه تمرین‌ها

گام

دوم

پرسش‌های تشریحی

۱. ارائه سؤالات امتحانی در تیپ‌های مختلف
۲. ارائه پاسخ تشریحی به سؤالات
۳. ارائه سه نمونه امتحان نوبت اول و نوبت دوم منطبق بر استاندارد آموزش و پرورش با پاسخ تشریحی

گام

سوم

بازمبندی درس عربی یازدهم

نوبت دوم	نوبت اول	مهارت‌های زبانی
۲	۲	مهارت واژه‌شناسی
۷	۷	مهارت ترجمه به فارسی
۷/۵	۷/۵	مهارت شناخت و کاربرد قواعد
۳	۳	مهارت درک و فهم
۰/۵	۰/۵	مهارت مکالمه
۲۰	۲۰	جمع

فهرست مطالب

درسنامه آموزشی

- ٩ **الدَّرْسُ الْأَوَّلُ**
مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اِسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ فِي
سُوقِ مَشْهَدٍ
- ٢٣ **الدَّرْسُ الثَّانِي**
فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ + أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ
- ٣٥ **الدَّرْسُ الثَّالِثُ**
عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكْرَةُ + حِوَارٌ فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ
- ٤٦ **الدَّرْسُ الرَّابِعُ**
آدَابُ الْكَلَامِ + الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ
- ٥٧ **الدَّرْسُ الْخَامِسُ**
الْكَذِبُ مِفْتَاحٌ لِكُلِّ شَرٍّ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) + حِوَارٌ
فِي الصَّيْدَلِيَّةِ
- ٦٧ **الدَّرْسُ السَّادِسُ**
أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلُ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)
- ٧٨ **الدَّرْسُ السَّابِعُ**
تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ
+ حِوَارٌ مَعَ الطَّبِيبِ



FILM

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

145 min	ترجمه
113 min	قواعد
49 min	تمارين

الدَّرْسُ الثَّانِي

88 min	ترجمه
61 min	قواعد
44 min	تمارين

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

91 min	ترجمه
43 min	قواعد
53 min	تمارين

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

73 min	ترجمه
48 min	قواعد
48 min	تمارين

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

86 min	ترجمه
37 min	قواعد
38 min	تمارين

الدَّرْسُ السَّادِسُ

89 min	ترجمه
59 min	قواعد
49 min	تمارين

الدَّرْسُ السَّابِعُ

100 min	ترجمه
43 min	قواعد
44 min	تمارين

پرسش‌های تشریحی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

٨٩ مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اِسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ فِي
سوقِ مَشْهَدٍ

الدَّرْسُ الثَّانِي

٩٥ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ + أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

١٠٠ عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكِرَةُ + حِوَارٌ فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

١٠٧ آدَابُ الْكَلَامِ + الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكِرَةِ

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

١١٢ الْكَذِبُ مِفْتَاحٌ لِكُلِّ شَرٍّ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) + حِوَارٌ
فِي الصِّيدَلِيَّةِ

الدَّرْسُ السَّادِسُ

١١٧ أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلٍ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)

الدَّرْسُ السَّابِعُ

١٢٢ تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ
+ حِوَارٌ مَعَ الطَّبِيبِ

آزمون (١): امتحان نوبت اول (میان سال) ١٢٧
آزمون (٢): امتحان نوبت دوم (پایان سال) ١٣٠
آزمون (٣): امتحان نوبت دوم (پایان سال) ١٣٣

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



کرت عیب جویی بود و سرشت
نمینی ز طاووس جز پای زشت

درس یکم

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ...﴾ الْحُجُرَات: ۱۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ (از آیه‌های اخلاق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا﴾	الَّذِينَ	آمَنُوا	لَا يَسْخَرُوا	قَوْمُ	مِنْ	قَوْمٍ
ای	کسانی که	ایمان آوردند	نباید مسخره کنند	قوم	از	قوم

ای کسانی که ایمان آوردید نباید قومی، قومی [دیگر] را مسخره کنند

عَسَى	أَنْ يَكُونُوا ^۱	خَيْرًا ^۲	مِنْهُمْ	وَ	لَا	نِسَاءً	مِنْ	نِسَاءٍ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	نه	زنان	از	زنان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و نه زنانی، زنانی [دیگر] را مسخره کنند.

عَسَى	أَنْ يَكُنَّ	خَيْرًا	مِنْهُمْ	وَ	لَا تَلْمِزُوا ^۳	أَنْفُسَكُمْ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	عیب نگیرید	خودتان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و از خودتان عیب نگیرید

وَ لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ	بِئْسَ	الِاسْمُ	الْفُسُوقُ	بَعْدَ	الْإِيمَانِ
و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید	[چه] بد است	نام	آلوده شدن به گناه	بعد	ایمان

و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید پس از ایمان [به خدا] نام آلوده شدن به گناه [چه] بد است (چه نام بدی است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان)

وَ	مَنْ	لَمْ يَتُبْ	فَأُولَٰئِكَ	هُمْ	الظَّالِمُونَ ^۴	يَا أَيُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا
و	هر کس	توبه نکرد	پس آنان	همان	ستمکاران	ای	کسانی که	ایمان آوردند

و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمکاران هستند، ای کسانی که ایمان آوردید

اجْتَنِبُوا ^۵	كَثِيرًا	مِنْ	الظَّنِّ	إِنَّ	بَعْضَ	الظَّنِّ	إِثْمٌ
بپرهیزید، دوری کنید	بسیار	از	گمان	به راستی	برخی	گمان	گناه

از بسیاری از گمان [ها] بپرهیزید به راستی برخی گمان [ها] گناه هستند.

وَ	لَا تَجَسَّسُوا	وَ	لَا يَغْتَابُ	بَعْضُكُمْ	بَعْضًا
و	جاسوسی نکنید	و	نباید غیبت کند	برخی از شما	برخی

و جاسوسی نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید (نباید برخی از شما غیبت برخی [دیگر] را کنند).

أَ	يُحِبُّ	أَحَدُكُمْ	أَنْ يَأْكُلَ	لَحْمَ	أَخِيهِ	مَيْتًا
آیا	دوست دارد	یکی از شما	که بخورد	گوشت	برادرش	مرده

آیا یکی از شما (کسی از شما) دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟

فَكَرِهْتُمُوهُ	وَ	اتَّقُوا	اللَّهَ	إِنَّ	اللَّهَ	تَوَّابٌ ^۶	رَحِيمٌ ^۷ ﴾ (الْحَجَرَات: ۱۱ و ۱۲)
پس آن را ناپسند داشتید	و	پروا کنید	خدا	به راستی، بی‌گمان	خدا	بسیار توبه‌پذیر	مهربان

پس آن را ناپسند داشتید و از خدا پروا کنید بی‌گمان خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.

قَدْ	يَكُونُ	بَيْنَ	النَّاسِ	مَنْ	هُوَ	أَحْسَنُ ^۸	مِمَّا،
گاهی، شاید	می‌باشد	میان	مردم	کسی که	او	بهتر، بهترین	از ما

گاهی (شاید) میان مردم کسی می‌باشد (باشد) که او بهتر از ماست،

فَعَلَيْنَا	أَنْ نَبْتَغِدَ	عَنِ	الْعُجْبِ	وَ	أَنْ لَا نَذْكَرَ	غُيُوبَ	الْآخَرِينَ	بِكَلَامٍ	خَفِيِّ	أَوْ	بِإِشَارَةٍ.
پس ما باید، برماست	که دوری کنیم	از	خودپسندی	و	یاد نکنیم	عیب‌ها	دیگران	به سخن	پنهان	یا	با اشاره

پس ما باید (بر ما لازم است) از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.

۱. «لَا يَسْخَرُوا» فعل نهی سوم شخص ترجمه ← نباید + مضارع التزامی

۲. «أَنْ يَكُونُوا (أَنْ) + فعل مضارع» ترجمه ← که + مضارع التزامی

۳. «خَيْرًا» اسم تفضیل است.

۴. «لَا تَلْمِزُوا» فعل نهی دوم شخص ترجمه ← امر منفی

۵. جمله شرطیه است و جمله «فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» جواب شرط است.

۶. «اجْتَنِبُوا» فعل امر دوم شخص است.

۷. «تَوَّابٌ» بر وزن فَعَالٍ، اسم مبالغه است.

۸. «أَحْسَنُ» اسم تفضیل است.

فَقَدْ قَالَ ^۱	أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ	«أَكْبَرُ» ^۲	الْغَيْبِ	أَنْ تَعِيبَ	ما	فِيكَ	مِثْلَهُ ^۳ .
پس گفته است	امیرمؤمنان علی علیه السلام	بزرگ‌ترین	عیب	که عیب‌دار کنی	آن‌چه	در تو	مانند آن

پس امیرمؤمنان علی علیه السلام گفته (فرموده) است: «بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانند آن در توست را عیب‌دار کنی (عیب بشماری).»

تَنْصَحُنَا	الْآيَةُ	الْأُولَى ^۴	وَ	تَقُولُ:	لَا تَعِيبُوا	الْآخَرِينَ ^۵ .
ما را پند می‌دهد	آیه	اول	و	می‌گوید	عیب‌جویی نکنید	دیگران

آیه اول ما را پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید

وَ	لَا تَلْقَبُوهُمْ	بِالْقَابِ	يَكْرَهُونَهَا.	بِشَسْ	الْعَقْلُ	الْفُسُوقُ!
و	آنان را لقب ندهید	با لقب‌ها	آن را ناپسند می‌دارند	[چه] بد است	کار	آلوده شدن به گناه

و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، لقب ندهید. آلوده شدن به گناه [چه] بد کاری است!

وَ	مَنْ هُ	يَفْعَلُ	ذَلِكَ	فَهُوَ	مِنْ	الظَّالِمِينَ.
و	هر کس	انجام می‌دهد	آن	پس او	از	ستمکاران

و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذَنْ	فَقَدْ حَرَّمَ	اللَّهُ	تَعَالَى	فِي	هَاتَيْنِ	الْآيَتَيْنِ:
بنابراین	پس حرام کرده است	خدا	بلندمرتبه	در	این دو	دو آیه

بنابراین خدای بلندمرتبه در این دو آیه [آن را] حرام کرده است:

- الْإِسْتِهْزَاءُ بِ ^۶	الْآخَرِينَ،	وَ	تَسْمِيَتُهُمْ	بِالْأَسْمَاءِ	الْقَبِيحَةِ.
ریشخند کردن	دیگران	و	نامیدن آنان	به نام‌ها	زشت

- ریشخند کردن دیگران و نام دادن (نامیدن) آنان با نام‌های زشت

- سَوْءُ الظَّنِّ،	وَ	هُوَ	اتِّهَامٌ	شَخْصٍ	لِشَخْصٍ	آخَرَ	يَدُونِ	دَلِيلٍ	مَنْطِقِيٍّ.
بدگمانی	و	آن	تهمت‌زدن	شخص	به شخص	دیگر	بدون	علت، دلیل	منطقی

- بدگمانی و آن تهمت‌زدن یک شخص (شخصی) به شخص دیگر بدون علتی منطقی است.

- اَلتَّجَسُّسُ،	وَ	هُوَ	مُحَاوَلَةٌ	قَبِيحَةٌ	لِكَشْفِ	أَسْرَارِ	النَّاسِ
جاسوسی کردن	و	آن	تلاش	زشت	برای کشف	رازها	مردم

- جاسوسی کردن و آن تلاشی زشت برای کشف رازهای مردم است

لِفَضْحِهِمْ	وَ	هُوَ	مِنْ	كِبَائِرِ الذُّنُوبِ	فِي	مَكْتَبِنَا	وَ	مِنْ	الْأَخْلَاقِ	السَّيِّئَةِ.
برای رسوا کردن آنان	و	آن	از	گناهان بزرگ	در	مکتب ما	و	از	اخلاق	زشت

برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق‌های زشت است.

- وَ	الْغَيْبَةِ،	وَ	هِيَ	مِنْ	أَهَمِّ ^۷	أَسْبَابِ	قَطْعِ	التَّوَاصُلِ	بَيْنَ	النَّاسِ.
و	غیبت	و	آن	از	مهم‌ترین	علت‌ها	بریدن	ارتباط	میان	مردم

- و غیبت و آن از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَى	بَعْضُ	الْمُفَسِّرِينَ	سُورَةَ	الْحَجَرَاتِ	الَّتِي	جَاءَتْ	فِيهَا	هَاتَانِ	الْآيَتَانِ	بِسُورَةِ	الْأَخْلَاقِ.
نامید	برخی	مفسران	سوره	حجرات	که	آمد	در آن	این دو	دو آیه	به سوره	اخلاق

برخی از مفسران سوره حجرات را که در آن، این دو آیه آمده است، سوره اخلاق نامیدند.

۱. قَدْ قَالَ (قَدْ + فعل ماضی) ترجمه ← ماضی نقلی

۲. أَكْبَرُ (اسم تفضیل) + الْغَيْبِ (مضاف‌الیه) ترجمه اسم تفضیل ← صفت برترین با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود.

۳. «الْأُولَى» اسم تفضیل مؤنث بر وزن «فَعْلَى» و نقش صفت را برای «الْآيَةِ» دارد.

۴. «الْآخَرِينَ» جمع مذکر سالم، مفرد آن «الْآخِر» اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» است.

۵. جمله شرطیه است. جمله «فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ» جواب شرط است.

۶. «الْإِسْتِهْزَاءُ» معمولاً با حرف جر «بِ» می‌آید.

۷. «أَهَمُّ» در اصل «أَهَمُّم» بر وزن «أَفْعَل» بوده و اسم تفضیل است.

واژگان

عَجَب: خودپسندی عَسَى: شاید = رُبَمَا عَذَب: عذاب داد (مضارع: يُعَذِّبُ / امر: عَذَّبْ / مصدر: تَعَذَّب) عَلَبْتُ: چیره شد فُسُوق: آلوده شدن به گناه فَصَح: رسوا کردن فَلَق: سپیده دم قَدْ: گاهی، شاید (بر سر فعل مضارع می آید). «قَدْ يَكُونُ: گاهی می باشد» (بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است. كَبَائِر: گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَة» كَرِه: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ / امر: اكْرَهُ / مصدر: كَرَاهَة) لَحْم: گوشت «جمع: لُحُوم» لَقَب: لقب داد (مضارع: يَلْقُبُ / امر: لَقَّبْ) لَمَز: عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ) مَتَجَر: مغازه مَيِّت: مُرَدّه «جمع: أَمْوَات، مَوْتَى» ≠ حَيّ مِيزَان: ترازو «جمع: مَوَازِين» نَوَعِيَّة: نوع، جنس	تَوَاضَل: ارتباط (ماضی: تَوَاضَلَ / مضارع: يَتَوَاضَلُ) تَمَم: کامل کرد (مضارع: يَتَمَّمُ / امر: تَمَّمْ / مصدر: تَتَمِيم) جَادَل: گفت و گو کرد، ستیز کرد (مضارع: يُجَادِلُ / امر: جَادِلْ / مصدر: مُجَادَلَة) حَرَّمَ: حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ / امر: حَرِّمْ / مصدر: تَحْرِيم) حَسَن: نیکو گردانید (مضارع: يُحَسِّنُ / امر: حَسِّنْ / مصدر: تَحْسِين) حَيّ: بشتاب حَقَّض: تخفیف داد (مضارع: يُحَقِّضُ / امر: حَقِّضْ / مصدر: تَخْفِيز) حَفِيّ: پنهان ≠ ظاهر زَمِيل: همکار سَاء: بد شد (مضارع: يَسُوءُ) سَخِرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: يَسْخَرُ / مصدر: سُخْرِيَة) «لا يَسْخَرُ: نباید مسخره کند» سِعَر: قیمت «جمع: أَسْعَار» صَلّ: گمراه شد (مضارع: يَضِلُّ) عَاب: عیب جویی کرد، عیب دار کرد (مضارع: يَعِيبُ / مصدر: عَيْب)	إِتَّقَى: پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي) «إِتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید» إِثْم: گناه = ذَنْب إِسْتَهْزَأ: ریشخند کردن (ماضی: إِسْتَهْزَأَ / مضارع: يَسْتَهْزِئُ) أَذْع: فرا بخوان إِغْتَاب: غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ) «لا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند» أَنْ يَكُنَّ: که باشند (كان، يَكُونُ) أَنْ يَكُونُوا: که باشند (كان، يَكُونُ) أَهْدَى: هدیه کرد بَغَض ... بَغَض: یکدیگر بُشّ: بد است تَاب: توبه کرد (مضارع: يَتَوَبُّ) «لَمْ يَتُبْ: توبه نکرد» تَجَسَّس: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ / امر: تَجَسَّسْ / مصدر: تَجَسُّس) تَسْمِيَة: نام دادن، نامیدن (ماضی: سَمَّى / مضارع: يُسَمِّي) تَخْفِيز: تخفیف دادن (در داد و ستد) تَنَابَز بِالْأَلْقَاب: به یکدیگر لقب های زشت دادن (ماضی: تَنَابَزَ / مضارع: يَتَنَابَزُ / مصدر: تَنَابُز) تَوَاب: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده
--	--	--

عَمَل = فِعْل کار	رَحِيم = حَنُون مهربان	إِثْم = ذَنْب = خَطِيئَة گناه	خَيْر = أَفْضَل، أَحْسَن بهتر، بهترین	يَا = أَيُّهَا ای
تَوَاضَل = إِرْتِبَاط ارتباط	مُحَاوَلَة = إِجْتِهَاد = سَعْي تلاش	قَدْ (+ فعل مضارع) = عَسَى = رُبَمَا شاید	شَخْص = فَرْد فرد، شخص	يَفْعَلُ = يَفْعَلُ انجام می دهد، کار می کند
إِسْتَهْزَأَ بِ = سَخِرَ مِنْ ریشخند کرد، مسخره کرد	كَبَائِر = الذُّنُوب الْكَبِيرَة گناهان بزرگ	جَعَلَ = وَضَعَ قرار داد	سَبِيل = طَرِيق راه	حَسَنٌ = جَيِّدٌ خوب
إِجْتِنَاب = إِبْتِعَاد دوری کردن، دور شدن	مَخْفِي = مُسْتَوْر پنهان	تَنَابَزَ = لَقَّبَ با لقب [بد] خواند، لقب داد	كَرِه = قَبِيح زشت، ناپسند	عَابَ = لَمَزَ عیب جویی کرد، عیب دار کرد، عیب گرفت

مترادف

اجْتَنِبُوا ≠ تَقَرَّبُوا دوری کنید، بپرهیزید ≠ نزدیکی کنید	كثير ≠ قليل بسیار، زیاد ≠ کم	نساء ≠ رجال زنان ≠ مردان	بَعْد ≠ قَبْل پس ≠ پیش	أَوْلَئِكَ ≠ هَؤُلَاءِ آنان ≠ اینان
أَحَد ≠ جَمِيع یکی ≠ همه	أَخ ≠ أخت برادر ≠ خواهر	مَيِّت ≠ حَيّ مرده ≠ زنده	نَبَتَعِدُ ≠ نَقْتَرِبُ دور می شویم ≠ نزدیک می شویم	خَفِيَ ≠ ظَاهِر، مُبِين پنهان ≠ آشکار
قَبِيحَة ≠ جَمِيلَة زشت ≠ زیبا	قَطَعَ ≠ وَضَلَ بریدن ≠ پیوند خوردن	يَنْهَى ≠ يَأْمُرُ نهی می کند ≠ دستور می دهد	أَعْلَى ≠ أَرْحَصُ گران تر ≠ ارزان تر	أَقَلَّ ≠ أَكْثَرَ کم تر ≠ بیش تر
كَبْرَى ≠ صُغْرَى بزرگ تر ≠ کوچک تر	قَمِيص ≠ فُسْتَان پیراهن مردانه ≠ پیراهن زنانه	أَكْبَرُ ≠ أَصْغَرُ بزرگ تر ≠ کوچک تر	قَدِيم ≠ جَدِيد، بَدِيع قدیم ≠ جدید، نو	غَالِيَة ≠ رَخِيصَة گران ≠ ارزان
أَبْيَضُ ≠ أَسْوَدُ سفید ≠ سیاه	زَائِد ≠ نَاقِص به اضافه ≠ منهای	مَشْرِقُ ≠ مَغْرِبُ مشرق ≠ مغرب	أَحَلَّ ≠ حَرَّمَ حلال کرد ≠ حرام کرد	سَوْءُ الظَّنِّ ≠ حُسْنُ الظَّنِّ بدگمانی ≠ خوشگمانی
غَافِرٌ: آمرزنده عَفَا: بسیار آمرزنده	تَابَ: توبه کرد إِغْتَابَ: غیبت کرد	ذَهَبَ: رفت ذَهَبَ: طلا	أَعْلَى: بلندتر، بلندترین أَعْلَى: گران تر، گران ترین	حَسَنٌ: خوب أَحْسَنُ: بهتر
مَطْعَمٌ: رستوران مَطْبَخٌ: آشپزخانه مَطْبَعَة: چاپخانه	سَاءَ: بد شد سَوْء: بد	سَاتَرَ: پوشاننده سَتَّار: بسیار پوشاننده		
أَنْفُسُ ← نَفْس خود	أَلْقَابُ ← لَقَب لقب	عُيُوبُ ← عَيْب عیب	أَسْمَاءُ ← إِسْم نام، اسم	أَسْرَارُ ← سِرّ راز
كِبَائِرُ ← كَبِيرَة گناه بزرگ	ذُنُوبُ ← ذَنْب گناه	أَخْلَاقُ ← خُلُق اخلاق	أَسْبَابُ ← سَبَب علّت	لُحُومُ ← لَحْم گوشت
أَمْوَات، مَوْتَى ← مَيِّت مرده	جِبَالُ ← جَبَل کوه	أَفْضَلُ ← أَفْضَلُ بهتر، برتر	أَحَادِيثُ ← حَدِيث حدیث	عِبَادُ ← عَبْد بنده
أَسْعَارُ ← سِعْر قیمت	مَلَابِسُ ← مَلْبَس لباس	فَسَاتِينُ ← فُسْتَان لباس	سَرَاوِلُ ← سِرْوَال شلوار	تَمَارِينُ ← تَمْرِين تمرین
أَفْعَالُ ← فِعْل فعل	تَرَاكِبُ ← تَرْكِيب ترکیب	عُيُوبُ ← عَيْب نہان	خَطَايَا ← خَطِيئَة خطا، اشتباه	مَوَازِينُ ← مِيزَان ترازو

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را بر حسب متن درس مشخص کن.) ✓ ✗

- ✗ ۱- سَمِيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. (برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.)
- ✗ ۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطُّ. (خدا در این دو آیه، فقط ریشخند کردن و غیبت را حرام کرد.)
- ✓ ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكَ بِمَا يَكْزُهُنِ. (غیبت همان است که برادرت و خواهرت را به آن چه ناپسند می دارند، یاد کنی.)
- ✓ ۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَةِ مِنَ الْآخَرِينَ. (همانا خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می کند.)
- ✗ ۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (تلاش برای شناختن رازهای دیگران کاری زیباست.)

قواعد

اسم التفضیل و اسم المکان

اسم تفضیل

❖ اسمی است که برتری کسی بر کسی دیگر یا برتری چیزی بر چیزی دیگر را بیان می‌کند.

اسم تفضیل، ریشه فعلی دارد؛ مذکر آن بر وزن «أَفْعَل» و مؤنث آن بر وزن «فُعْلَى» است و معادل «صفت برتر» و «صفت برترین (عالی)» در فارسی است؛ **مثال**

- صَغُرَ: کوچک شد ← أَصْغَرَ (مؤنث آن «صُغْرَى»): کوچک‌تر، کوچک‌ترین
كَبُرَ: بزرگ شد ← أَكْبَرَ (مؤنث آن «كِبْرَى»): بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین
حَسُنَ: خوب شد ← أَحْسَنَ (مؤنث آن «حُسْنَى»): خوب‌تر یا بهتر یا نیکوتر، خوب‌ترین یا بهترین یا نیکوترین
قَرُبَ: نزدیک شد ← أَقْرَبَ (مؤنث آن «قُرْبَى»): نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین
فَضَلَ: برتری یافت ← أَفْضَلَ (مؤنث آن «فُضْلَى»): برتر، برترین

۱۴

آموزش | درس اول

تست ۱ عَيْنِ مَا لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (۱) أَنْفَع (۲) أَكَل (۳) أَكْرَم (۴) أَجْمَل

پاسخ اسم‌های «أَنْفَع: سودمندتر، سودمندترین - أَكْرَم: گرامی‌تر، گرامی‌ترین - أَجْمَل: زیباتر، زیباترین» همگی بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل هستند ولی «أَكَل: خورد» فعل ماضی است، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

تست ۲ أَيُّ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا اسْمُ تَفْضِيلٍ:

- (۱) أَصْغَرَ - أَطْهَرَ - مَحْكُوم
(۲) أَشْجَعَ - غَفَّار - أَرْحَم
(۳) أَسْمَعَ - أَعْظَمَ - أَصْلَحَ
(۴) أَرْفَعَ - رَاحِم - أَعْلَمَ

پاسخ در گزینه (۱) «مَحْكُوم: حکم داده شده» بر وزن «مَفْعُول» و اسم مفعول است و «أَصْغَرَ: کوچک‌تر، کوچک‌ترین - أَطْهَرَ: پاک‌تر، پاک‌ترین» اسم تفضیل هستند؛ و در گزینه (۲) «غَفَّار: بسیار آمرزنده» بر وزن «فَعَّال» و اسم مبالغه است و «أَشْجَعَ: شجاع‌تر، شجاع‌ترین - أَرْحَم: مهربان‌تر، مهربان‌ترین» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أَسْمَعَ: شنواتر، شنواترین - أَعْظَمَ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین - أَصْلَحَ: درست‌کارتر، درست‌کارترین» تمامی اسم‌ها بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۴) «رَاحِم: رحم‌کننده» بر وزن «فَاعِل» و اسم فاعل است و «أَرْفَعَ: بلندتر، بلندترین - أَعْلَمَ: داناتر، داناترین» اسم تفضیل هستند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) است.

❖ اکنون به ترجمه اسم تفضیل در جمله‌های زیر دقت کنید:

- آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا. ← آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.
آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. ← آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.
آسیا أَكْبَرُ قَارَةِ فِي الْعَالَمِ. ← آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.
جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. ← کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است.
جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. ← کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.
جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ. ← کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.
أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. ← بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.
همان‌گونه که در جملات بالا می‌بینید،

اگر حرف جرّ «مِنْ» بیاید، اسم تفضیل به شکل صفت برتر و با پسوند «تر» ترجمه می‌شود.

مثال هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ. ← این بزرگ‌تر از آن است.

اگر مضاف‌الیه بیاید، اسم تفضیل به شکل صفت برترین و با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود.

مثال سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةِ الْقُرْآنِ. ← سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

* بعد از اسم تفضیل

۱. گاهی اسم تفضیل مؤنث به شکل «فُعْلَا» است. مثال: أَعْلَى ← غُلّیا: بالاتر، بلندتر

سؤال عَيْنَ تَرْجَمَةِ اسْمِ التَّفْضِيلِ [يَشْكُلُ صِفَةً تَفْضِيلِيَّةً أَوْ صِفَةً عَالِيَةً فِي الْعِبَارَاتِ]. (ترجمه اسم تفضیل را [به شکل صفت برتر یا صفت برترین] در عبارتها مشخص کن.)

الف) دَرَسٌ عَلِيٌّ أَحْسَنُ مِنْ دَرَسٍ نَاصِرٍ. (ب) هُوَ مِنْ أَحْسَنِ الطَّلَافِ.

ج) عَلِيٌّ أَشْجَعُ مِنْ سَعِيدٍ. (د) هُوَ مِنْ أَشْجَعِ النَّاسِ.

هـ) هَذَا الْقَمِيصُ أَرْخَصُ مِنْ ذَلِكَ الْقَمِيصِ. (و) هَذَا أَرْخَصُ قَمِيصًا.

پاسخ الف) أَحْسَنُ: بهتر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود. ترجمه: «درسی علی بهتر از درسی ناصر است.»

ب) أَحْسَنُ: بهترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (الطَّلَافِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. ترجمه: «او از بهترین دانش‌آموزان است.»

ج) أَشْجَعُ: شجاع‌تر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود. ترجمه: «علی از سعید شجاع‌تر است.»

د) أَشْجَعُ: شجاع‌ترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (النَّاسِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. ترجمه: «او از شجاع‌ترین مردم است.»

هـ) أَرْخَصُ: ارزان‌تر؛ چون بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ (مِنْ) آمده، به شکل صفت تفضیلی با پسوند «تر» ترجمه می‌شود. ترجمه: «این پیراهن مردانه ارزان‌تر از آن پیراهن مردانه است.»

و) أَرْخَصُ: ارزان‌ترین؛ چون بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه (قَمِيصِ) آمده، به شکل صفت عالی با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. ترجمه: «این ارزان‌ترین پیراهنِ ما است.»

تست ۳ عَيْنَ عِبَارَةٍ جَاءَتْ فِيهَا صِفَةٌ عَالِيَّةٌ (صفت برترین):

(۱) لَيْسَ شَيْءٌ أَجْمَلُ مِنَ الْأَدَبِ. (۲) الْحَرْبَاءُ مِنْ أَعْجَبِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ.

(۳) إِنَّ التَّوَّاضِعَ أَنْفَعُ مِنَ الْعُجْبِ. (۴) مَكْتَبَتِي أَصْغَرُ مِنْ مَكْتَبَةِ صَدِيقِي.

پاسخ در گزینه (۱) بعد از اسم تفضیل «أَجْمَلُ» حرف جرّ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «چیزی زیباتر از ادب نیست!». در گزینه (۲) بعد از اسم تفضیل «أَعْجَبِ» مضاف‌الیه «مَخْلُوقَاتِ» آمده و به شکل صفت عالی یا صفت برترین ترجمه می‌شود: «آفتاب‌پرست از شگفت‌ترین آفریده‌های خداوند است!». در گزینه (۳) بعد از اسم تفضیل «أَنْفَعُ» حرف جرّ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «به راستی فروتنی سودمندتر از خودپسندی است!». در گزینه (۴) بعد از اسم تفضیل «أَصْغَرُ» حرف جرّ «مِنْ» آمده و به شکل صفت تفضیلی (صفت برتر) ترجمه می‌شود. ترجمه عبارت «کتابخانه‌ام کوچک‌تر از کتابخانه دوستم است!»، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

نکات

❖ فعل‌هایی که سومین حرف اصلی آن‌ها «و» یا «ی» باشد، اسم تفضیلشان بر وزن «أَفْعَلُ» در آخر به شکل «ی» نوشته می‌شود و به شکل «الف» خوانده می‌شود و اگر مضاف‌الیه آن ضمیر متصل (ه، هِما، ...) باشد، آخرشان به شکل الف «ا» نوشته می‌شود.

مثال

حَفَى (خ ف ی) ← أَخْفَى (مخفی‌تر، مخفی‌ترین) ← أَخْفَاهُمْ (مخفی‌ترینشان)

عَلَا (ع ل و) ← أَعْلَى (بلندتر، بلندترین) ← أَعْلَاهُمْ (بلندترینان)

عَلَا (غ ل و) ← أَعْلَى (گران‌تر، گران‌ترین) ← أَعْلَاهُمْ (گران‌ترینشان)

❖ فعل‌هایی که ریشه آن‌ها دو حرف شبیه هم دارند در ساختن اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَلُ»، دو حرف هم‌جنس با هم ادغام «أَفَلَّ» می‌شوند.

مثال

حَبَّ (از ریشه «ح ب ب») ← أَحَبَّ (دوست‌داشتنی‌تر، دوست‌داشتنی‌ترین)

قَلَّ (از ریشه «ق ل ل») ← أَقَلَّ (کم‌تر، کم‌ترین)

رَقَّ (از ریشه «ر ق ق») ← أَرْقَّ (دلسوزتر، دلسوزترین)

تست ۴ عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ صِبَاغَةِ اسْمِ التَّفْضِيلِ مِنْ مَادَّةِ (ریشه) الْأَفْعَالِ:

(۱) غَ فَ وَ ← أَعْفَوْ ← قَى وَى ← أَقْوَى (۲) شَ دَ دَ ← أَشَدَّ (۳) ضَ رَ رَ ← أَضَرَّ (۴)

پاسخ در گزینه (۱) اسم تفضیل از ریشه عَفَوْ، «أَعْفَى (بخشنده‌تر، بخشنده‌ترین)» می‌شود و در ساخت آن حرف «و» به «ی» تبدیل می‌شود. در گزینه (۲) اسم تفضیل از ریشه قَوَّى، «أَقْوَى (قوی‌تر، قوی‌ترین)» درست است. در گزینه (۳) اسم تفضیل از ریشه شَدَّ (ش د د)، «أَشَدَّ (محکم‌تر، محکم‌ترین)» می‌شود و در ساخت آن دو حرف شبیه به هم ادغام می‌شوند. در گزینه (۴) اسم تفضیل از ریشه ضَرَّ (ض ر ر)، «أَضَرَّ (مضرت‌تر، مضرت‌ترین)» و در ساخت آن دو حرف شبیه هم ادغام شده‌اند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

* مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می‌آید.

مثال فَاطِمَةُ الْكُبْرَى، زَيْنَبُ الصَّغْرَى

* اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث بر وزن «أَفْعَل» می‌آید.

مثال فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَبَ. ← فاطمه از زینب بزرگ‌تر است.

هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ أَفْضَلُ مِنْ تِلْكَ التَّلْمِيذَةِ. ← این دانش‌آموز برتر از آن دانش‌آموز است.

* غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مانند «أَفْضَل» که جمع آن «أَفْاضِل» می‌باشد.

مثال إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ. ← هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.

(«أَرَاذِل» جمع مکسر «أَزْدَل» و «أَفْاضِل» جمع مکسر «أَفْضَل» است.)

* اگر جمع مکسر بر وزن «أَفَاعِل» بر برتری دلالت نکند، اسم تفضیل نیست؛ برای اطمینان بهتر است آن را به مفرد ببریم.

مثال

أَصَابِعُ ← أَصْبَحَ (انگشت) / أَمَاكِنُ ← مَكَان (جا، مکان)؛ اسم تفضیل نیستند.

أَكْبَرُ ← أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) / أَعْظَمُ ← أَعْظَمُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)؛ اسم تفضیل هستند.

تست ۵ عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ أَكْثَرُ:

(۱) إِيْرَانُ مِنْ أَجْمَلِ الْمَنَاطِقِ فِي الْعَالَمِ! (۲) أَصْغَرُ أَخِي أَحَبُّ الشَّخْصِ فِي أُسْرَتِنَا!

(۳) إِنَّ جَدِّي مِنْ أَكْبَرِ قَرِيْنَتِنَا! (۴) «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»

پاسخ در گزینه (۱) «أَجْمَل» زیباترین اسم تفضیل است. در گزینه (۲) «أَصْغَرُ» کوچک‌ترین و «أَحَبُّ» دوست‌داشتنی‌ترین اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أَكْبَرُ» بزرگان جمع مکسر «أَكْبَر» و اسم تفضیل است. در گزینه (۴) «أَحْسَنِ» بهترین اسم تفضیل است، بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (حدیث‌های زیر را ترجمه کن، سپس خطی را زیر اسم تفضیل قرار بده.)

۱. سَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

از پیامبر خدا ﷺ پرسیده شد: دوست‌داشتنی‌ترین مردم نزد خداوند کیست؟ گفت: سودمندترین مردم برای مردم. أَحَبُّ / أَنْفَعُ: اسم تفضیل

۲. أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را به دانشش افزود (بیافزاید). أَعْلَمُ: اسم تفضیل

۳. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكُتُوبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برترین کارها کسب از [روزی] حلال است. أَفْضَلُ: اسم تفضیل

* اگر وزن «أَفْعَل» بر رنگ و عیب دلالت کند، اسم تفضیل نیست.

مثال أَحْمَرُ: سرخ، أبيض: سفید، أسود: سیاه، ...

أعوج: کج، أصم: کر، أبکم: لال، أعمى: کور، ...

- اگر بعدشان حرف جرّ «من» بیاید و به شکلِ صفتِ تفضیلی (صفت برتر) «خوبتر، بهتر» و «بدتر» ترجمه شوند.

مثال هَذَا خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ. این، خوبتر از آن است.

خُلِقَ شَرٌّ مِنْ أَبِيهِ. اخلاقِ او، بدتر از پدرش است.

تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

- اگر بعدشان مضاف‌الیه بیاید و به شکلِ صفتِ عالی (صفت برترین) «خوبترین، بهترین» و «بدترین» ترجمه شوند.

مثال خَيْرُ النَّاسِ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا. خوبترین مردم، خوش‌اخلاق‌ترینشان است.

إِنَّهُ شَرُّ النَّاسِ. به راستی او، بدترین مردم است.

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. به سوی بهترین کار بشتاب.

- اگر به تنهایی در جمله بیایند و به معنی «خوب/خوبی» و «بد/بدی» ترجمه شوند.

مثال هَذَا الْكِتَابُ خَيْرٌ. این کتاب، خوب است.

الرَّجُلُ الْكَاذِبُ شَرٌّ. مرد دروغگو، بد است.

- اگر حرفِ «أل» در اولشان بیاید و به معنی «خوبی» و «بدی» ترجمه شوند.

مثال الْخَيْرُ خَصْلَةُ الْمُؤْمِنِ. خوبی، خصلت مؤمن است.

الشَّرُّ خَصْلَةُ الظَّالِمِ. بدی، خصلت ستمگر است.

اسم تفضیل هستند

❖ دو کلمه «خیر» و «شَر»

اسم تفضیل نیستند

تست ۶ عَيْنُ مَا لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(۴) أَبْيَضُ / أَحْمَقُ

(۳) أَعَزَّ / أَثْقَلُ

(۲) أَذْكَى / أَعْلَمُ

(۱) أَقْرَبُ / أَبْعَدُ

پاسخ در گزینه (۱) «أَقْرَبُ: نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین - أَبْعَدُ: دورتر، دورترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۲) «أَذْكَى: باهوش‌تر، باهوش‌ترین - أَعْلَمُ: داناتر، داناترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) «أَعَزَّ: از ریشه «ع ز ع»: عزیزتر، عزیزترین - أَثْقَلُ: سنگین‌تر، سنگین‌ترین» بر برتری دلالت دارند و اسم تفضیل هستند. در گزینه (۴) «أَبْيَضُ: سفید/ أَحْمَقُ: نادان» بر رنگ و عیب دلالت دارند و اسم تفضیل نیستند، بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) است.

تست ۷ مَبْزُ كَلِمَةِ «خَيْرٍ» اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(۲) «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»

(۴) مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ!

(۱) لَيْسَتْ خَيْرٌ الْمَلَأْسِي لِلضِّيَافَةِ!

(۳) الْخَيْرُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ!

پاسخ در گزینه (۱) بعد از «خیر» مضاف‌الیه «الْمَلَأْسِي» آمده و به معنی «بهترین» اسم تفضیل است. در گزینه (۲) بعد از «خیراً» نه حرف جر آمده و نه مضاف‌الیه و به معنی «خوبی» است و اسم تفضیل نیست. در گزینه (۳) «الْخَيْرُ» با حرفِ «أل» آمده و به معنی «خوبی» است و اسم تفضیل نیست. در گزینه (۴) بعد از «خیر» نه حرف جر آمده و نه مضاف‌الیه و به معنی «خوبی» می‌باشد و اسم تفضیل نیست، بنابراین پاسخ تست گزینه (۱) است.

❖ ویژه علاقمندان

❖ «أَدْنَى» و مؤنث آن «دُنْيَا» به معنی «نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین/ خوارتر، خوارترین» اسم تفضیل است. البته «دُنْيَا» غالباً «دنیا» ترجمه می‌شود.

مثال مِنْ أَدْنَاهُ إِلَى أَقْصَاهُ. از نزدیک‌ترین تا دورترینش.

❖ «أَوَّلُ» و مؤنث آن «أُولَى» به معنی «یکم، اولین»، هم‌چنین «آخِرُ» و مؤنث آن «أُخْرَى» به معنی «دیگر، دیگری، بازپسین» اسم تفضیل هستند.

۱. الف و لام داشته باشد.

مثال خَدِيجَةُ هِيَ الْفُضْلَى. خدیجه فاضل‌ترین است.

۲. مضاف‌الیه داشته باشد.

مثال خَدِيجَةُ فَضْلَى التَّلْمِیذَاتِ. خدیجه فاضل‌ترین دانش‌آموزان است.

❖ اسم تفضیل طبق اسم مؤنث، در دو حالت به شکل مؤنث می‌آید

(ویژه علاقمندان)

تست ۸ ما هو الخطأ عن اسم التفضيل في العبارات؟

- (۱) زَيْنَبُ هِيَ الْفَضْلَى!
 (۲) حُسَيْنٌ هُوَ الْأَفْضَلُ!
 (۳) عَلِيٌّ أَفْضَلُ مِنْ حُسَيْنٍ!
 (۴) فاطمة فَضْلِي مِنْ زَيْنَب!

پاسخ در گزینه (۱) اسم تفضیل «الْفَضْلَى» با حرف «آل» آمده و مؤنث بودنش در عبارت درست است. در گزینه (۲) اسم تفضیل «الأفضل» در جمله مذکر، به صورت مذکر درست است. در گزینه (۳) اسم تفضیل «أفضل» در مقایسه بین دو اسم مذکر و به صورت مذکر درست است. در گزینه (۴) اسم تفضیل «فضلی» در مقایسه بین دو اسم مؤنث «فاطمة / زینب» آمده است باید مذکر «أفضل» بیاید، بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) است.

اخْتِیرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

ترجم العبارات التالية. (عبارت های زیر را ترجمه کن.)

۱. «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹
 ... پروردگارا، ایمان آوردیم پس ما را ببخشای (بیامرز) و به ما رحم کن و تو بهترین رحم کنندگان (مهربانان) هستی.

۲. خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رسول الله ﷺ
 بهترین برادران شما (دوستانتان) کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کرد.

۳. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» الْقَدَر: ۳
 شب قدر بهتر از هزار ماه است.

۴. مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أمير المؤمنين علي عليه السلام
 هر کس شهوتش (هوس او) بر عقلش چیره شد (شود) پس او بدتر از چارپایان است.

۵. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوُجْهِينِ.

بدترین مردم [انسان] دورو است.

اسم مکان

❖ اسمی که بر مکان دلالت دارد و بر سه وزن «مَفْعَل»، «مَفْعِل»، «مَفْعَلَة» می آید.

مثال

مَفْعَل ← مَلْعَب: ورزشگاه / مَطْعَم: رستوران / مَصْنَع: کارخانه / مَطْبَخ: آشپزخانه / مَخْزَن: انبار
 مَفْعِل ← مَنْزِل: خانه / مَسْجِد: سجده گاه، مسجد / مَجْلِس: شورا / مَوْقِف: ایستگاه / مَشْرِق: مشرق، خاور / مَغْرِب: مغرب، باختر
 مَفْعَلَة ← مَكْتَبَة: کتابخانه / مَطْبَعَة: چاپخانه / مَحْكَمَة: دادگاه

❖ جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است.

مثال

مَدَارِس ← مَدْرَسَة / مَلْعَب ← مَلَاعِب / مَطْعَم ← مَطَاعِم / مَنْزِل ← مَنَازِل / مَخْزَن ← مَخَازِن
 ❖ اگر جمع مکسر بر وزن «مَفَاعِل» بر مکان دلالت نکند، اسم مکان نیست؛ برای اطمینان، بهتر است آن را به مفرد ببریم.

مثال

مَطَالِب ← مَطْلَب (موضوع، خواسته)؛ اسم مکان نیست.
 مَشَارِب ← مَشْرَب (سقاخانه، جای آشامیدن آب) و مُحَافِل ← مُحْفِل (محل گردهمایی، انجمن)؛ اسم مکان هستند.

تست ۹ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ:

- (۱) مَسَائِل (۲) مَحَامِد (۳) مَحَاضِر (۴) مَشَاكِل

پاسخ در گزینه (۱) «مَسَائِل» جمع مکسر «مَسْأَلَة» به معنی «مطلب، مسئله» اسم مکان نیست. در گزینه (۲) «مَحَامِد» جمع مکسر «مَحْمَدَة» به معنی «نکونامی، ستایش» اسم مکان نیست. در گزینه (۳) «مَحَاضِر» جمع مکسر و مفرد آن «مَحَضَر: مکان حاضر شدن» اسم مکان است. در گزینه (۴) «مَشَاكِل» جمع مکسر «مَشْكِل» به معنی «دشواری، سختی» اسم مکان نیست، بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) است.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ. (دو آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱. «... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...» النَّحْلُ: ۱۲۵

... و به روشی که بهتر است با آن‌ها بحث کن به راستی پروردگارت به کسی که از راه او گمراه شد، داناتر است ...

أَحْسَنُ - أَعْلَمُ: اسم تفضیل

۲. «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» الْأَعْلَى: ۱۷

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر (پاینده‌تر) است.

۳. كَانَتْ مَكْتَبَةً «جُنْدِي سَابور» فِي خَوْزِستانِ أَكْبَرِ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان گذشته است.

مَكْتَبَةٍ: اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَةٌ» - أَكْبَرُ: اسم تفضیل

مکالمه

جَوازُ (في سوقِ مَشْهَد) گفت‌وگو (در بازار مشهد)

بَائِعُ الْقَلَابِيسِ (فروشنده لباس‌ها)	الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ (زائر عرب)
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكَ. (سلام بر شما، خوش آمدی.)	سَلَامٌ عَلَيكُمْ. (سلام بر شما)
سِتُّونَ أَلْفَ تَومان. (شصت هزار تومان)	كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ (قیمت این پیراهن مردانه چند است؟)
عِنْدَنَا بِشْعَرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومان. تَفَضَّلِي أَنْظُرِي. (به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.)	أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ. (ارزان‌تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است.)
أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَزْرَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بَنَفْسَجِي. (سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش.)	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟ (چه رنگی دارید؟)
تَبْدَأُ الْأَسْعَارَ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تَومان. (قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار [تومان] شروع می‌شود تا هشتاد و پنج هزار تومان.)	بِكَمْ تَومان هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟ (این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟)
سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعِيَّاتِ. (خانم، قیمت بر اساس (طبق) جنس‌ها فرق می‌کند.)	الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ! (قیمت‌ها گران است!)
السَّرَوَالُ الرَّجَالِي بِتِسْعِينَ أَلْفَ تَومان، وَ السَّرَوَالُ النِّسَاءِي بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تَومان. (شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.)	بِكَمْ تَومان هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟ (این شلوارها چند تومان است؟)
ذَلِكَ مَتَجَرِّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ. (آن مغازه همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.)	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. (شلوارهایی بهتر از این‌ها می‌خواهم.)
فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ... (در مغازه همکارش ...)	
صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تَومان. أُعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. (قیمت دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، دویست و بیست هزار [تومان]، به من بده.)	رَجَاءً، أُعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟ (لطفاً، شلوازی از این نوع (جنس) به من بده و ... قیمت چقدر شد؟)

تمارین کتاب درسی

﴿التَّمَرِّينُ الْأَوَّلُ﴾ آيَةُ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تَنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟)

- ۱- جَعَلَهُ حَرَامًا: (آن را حرام قرار داد.)
الْإِسْتِهْزَاءُ (ریشخند کردن)
- ۲- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: (کسی که زنده نیست.)
الْمَيِّتُ (مُرده)
- ۳- الذَّنُوبُ الْكَبِيرَةُ: (گناهان بزرگ)
الْكِبَائِرُ (گناهان بزرگ)
- ۴- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش قبول می‌کند.)
التَّوَابُ (بسیار توبه‌پذیر)
- ۵- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: (نامیدن دیگران با نام‌های زشت.)
تَنَابُزٌ بِالْأَلْقَابِ (به یکدیگر لقب‌های زشت دادن)
- ۶- ذَكَرْنَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: (آن چه دیگران در نبودنشان به آن راضی نمی‌شوند را یاد کرد.)
إِغْتَابَ (غیبت کرد)

﴿التَّمَرِّينُ الثَّانِي﴾ تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [آن چه] خواسته شده از تو را مشخص کن.)

- ۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْحَبَرُ)
مبتدا خبر
خوش اخلاقی نیمی از دین است.
- ۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)
مفعول
هر کس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.
- ۳- إِنَّمَا يُعْنَى لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَالْمَفْعُولُ)
فعل ماضی مجهول
فقط فرستاده شدم (مبعوث شدم) تا صفات برتر اخلاقی را کامل کنم.
- ۴- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ)
فعل ماضی فعل امر
خدایا همان‌گونه که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان.
- ۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)
اسم تفضیل جارومجرور
چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیک در ترازو [ی اعمال] نیست.

﴿التَّمَرِّينُ الثَّالِثُ﴾ تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ. (فعل‌ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.)

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَرُ
قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است	يُحْسِنُ: نیکی می‌کند	أَحْسِنُ: نیکی کن	إِحْسَان: نیکی کردن
إِقْتَرَبَ: نزدیک شد	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می‌شوند	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	إِقْتِرَاب: نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ: شکسته شد	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	لَا تَنْكَسِرُ: شکسته نشو	إِنْكَسَار: شکسته شدن
إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	إِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	إِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی‌کند	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می‌گیرند	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُ: عوض کردید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می‌کنید	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يَعْلَمُ: آموزش خواهد داد	عَلِّمْ: آموزش بده	تَعْلِيم: آموزش دادن

﴿التَّمَرُّنُ الرَّابِعُ﴾ أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ. (عملیات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.)

$$۱۰ + ۴ = ۱۴$$

۱- عَشْرَةٌ زَائِدُ أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

(ده به اضافه چهار مساوی است با چهارده.)

$$۱۰۰ \div ۲ = ۵۰$$

۲- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

(صد تقسیم بر دو مساوی است با پنجاه.)

$$۸ \times ۳ = ۲۴$$

۳- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ وَعَشْرِينَ.

(هشت ضرب در سه مساوی است با بیست و چهار.)

$$۷۶ - ۱۱ = ۶۵$$

۴- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدُ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ.

(هفتاد و شش منهای یازده مساوی است با شصت و پنج.)

﴿التَّمَرُّنُ الْخَامِسُ﴾ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ. (نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

(پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد. (نازل کرد.))

۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ۲۶

مفعول مجرور به حرف جر

(خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.)

۲- ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶

فاعل مفعول

(سکوت طلا و سخن گفتن نقره است.)

۳- اَلْسُكُوتُ ذَهَبٌ وَ اَلْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مبتدا خبر

(محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترین آن ها برای بندگان است.)

۴- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مبتدا مضاف الیه

مجرور خبر

به حرف جر

(دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.)

۵- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مبتدا خبر مجرور به حرف جر

﴿التَّمَرُّنُ السَّادِسُ﴾ تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

(ترکیب ها و جمله های زیر را ترجمه کن، سپس اسم فاعل و اسم مفعول، و اسم مبالغه، و اسم مکان، و اسم تفضیل را مشخص کن.)

الْمَشْرِقُ - الْمَغْرِبُ: اسم مکان

۱- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: الشُّعْرَاءُ: ۲۸

پروردگار مشرق و مغرب

عَلَامٌ: اسم مبالغه

۲- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾: المَائِدَةُ: ۱۰۹

قطعاً تو بسیار دانای نهان ها هستی.

۳- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: یس: ۵۲

مَرْقَدٌ: اسم مکان - الْمُرْسَلُونَ: اسم مفعول

چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! این چیزی است (همان است) که [خداوند] رحمان وعده داد و فرستاده شدگان (پیامبران) راست گفتند.

۴- يَا مَنْ يُجِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

الْمُحْسِنِينَ (مفرد: الْمُحْسِنُ): اسم فاعل

ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد.

۵- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

أَرْحَمٌ: اسم تفضیل - الرَّاحِمِينَ (مفرد: الرَّاحِمُ): اسم فاعل

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. (ای مهربان ترین مهربانان)

۶- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَغْيُوبٍ:

سَاتِرٌ: اسم فاعل - مَغْيُوبٌ: اسم مفعول

ای پوشاننده هر عیب داری.

۷- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ:

غَفَّارٌ: اسم مبالغه

ای بسیار آمرزنده گناهان.

الْتَّمَرِينَ السَّابِعُ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. (کلمه غریبه در هر مجموعه را مشخص کن.)

- | | | | |
|---|---|---|--|
| ۱- صَبَاح ☐ | مَسَاء ☐ | لَيْل ☐ | مَيِّت ☒ |
| صبح | عصر | شب | مرده |
| ۲- عَجَب ☐ | لَحْم ☒ | فُسُوق ☐ | إِثْم ☐ |
| خودپسندی | گوشت | آلوده شدن به گناه | گناه |
| ۳- كِبَائِر ☒ | نِسَاء ☐ | رِجَال ☐ | أَوْلَاد ☐ |
| گناهان بزرگ | زنان | مردان | فرزندان |
| ۴- سَخِرَ ☐ | عَابَ ☐ | سَاعَدَ ☒ | لَمَزَ ☐ |
| مسخره کرد | عیب جویی کرد | کمک کرد | عیب گرفت |
| ۵- أَحْمَرَ ☒ | أَحْسَنَ ☐ | أَجْمَلَ ☐ | أَصْلَحَ ☐ |
| سرخ | نیکوتر، بهترین | زیباتر، زیباترین | شایسته‌تر، شایسته‌ترین |
| ۶- أَضْفَرَ ☐ | أَزْرَقَ ☐ | أَبْيَضَ ☐ | أَكْثَرَ ☒ |
| زرد | آبی | سفید | بیش‌تر، بیش‌ترین |

الْتَّمَرِينَ الثَّامِنُ صُغِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (در جای خالی کلمه‌ای مناسب بگذار.)

- ۱- اسْتَرَيْنَا وَ فَسَاتَيْنِ بِأَشْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ.
در مغازه شلوارها و پیراهن‌های زنانه را با قیمت‌هایی ارزان خریدیم.
- ۲- مَنْ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِمْ.
هر کس غیبت مؤمنان را کند باید از آنها عذر بخواهد.
- ۳- خَمْسَةٌ وَ سِتُّونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي
شصت و پنج منهای بیست و سه مساوی است با چهل و دو.
- ۴- أَرَادَ الْمُشْتَرِي الْبَيْعِ.
مشتري تخفیف قیمت را خواست.
- | | | |
|--|---|--|
| سراویل ☒ | أَشْهُرًا ☐ | مَوَاقِفَ ☐ |
| شلوارها | ماه‌ها | ایستگاه‌ها |
| إِغْتَابَ ☒ | إِتَّقَى ☐ | مَدَحَ ☐ |
| غیبت کرد | پروا کرد | ستود، ستایش کرد |
| إِثْنَيْنِ وَأَرْبَعِينَ ☒ | إِثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ ☐ | أَرْبَعَةً وَ عِشْرِينَ ☐ |
| چهل و دو | هفتاد و دو | بیست و چهار |
| نَوْعِيَّةَ ☐ | مَتَجَرَّ ☐ | تَخْفِيفَ ☒ |
| جنس | مغازه | تخفیف |

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)

اسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أََسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.
(پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح استخراج کن.)



اول

سوالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف ترجم الکیلمات الّتی تحتها خطّ: (کلماتی که زیرش خط است، ترجمه کن.)

- ۱- اِشْتَرَيْتَ قَمِيصًا بِلَوْنِ الْأَصْفَرِ. /
 ۲- سِعْرُ السَّرْوَالِ فِي ذَلِكَ الْمَتَجَرِّ رَخِيصٌ. /
 ۳- التَّوَاضُّعُ بَيْنَ النَّاسِ سَبَبٌ تَقَدُّمِ الْأَمَّةِ. /
 ۴- اِلِسْتِهْزَاءٌ بِالْآخَرِينَ عَمَلٌ قَبِيحٌ. /
 ۵- يَنْتَسِ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ. /
 ۶- تَسْمِيَةُ النَّاسِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ إِثْمٌ. /

ب اُكْتُبْ فِي الْفَرَائِغِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَّةَ: (کلمات مترادف و کلمات متضاد را در جاهای خالی بنویس.)

تَنَابَزَ / ضَعَايِرُ / إِثْمٌ / كَرِيهٌ / عَابَ / قَدْ / تَابَ / أَحَلَّ / نَصِيحَةٌ / مَيِّتٌ / رَخِيصٌ / خَطَأٌ / ذَنْبٌ / خَفِيَ / اِسْتِهْزَأَ / قَبِيحٌ / غَالِي
 لَقَبَ / عَسَى / سَوْءُ الظَّنِّ / حَرَمٌ / لَمَزَ / حَيٌّ / اِبْتَعَدَ / حُسْنُ الظَّنِّ / كِبَائِرُ / مَوْعِظَةٌ / اِقْتَرَبَ / سَخِرَ / سَتِر

- ۷- =
 ۸- =
 ۹- =
 ۱۰- =
 ۱۱- =
 ۱۲- =
 ۱۳- =
 ۱۴- =
 ۱۵- ≠
 ۱۶- ≠
 ۱۷- ≠
 ۱۸- ≠
 ۱۹- ≠
 ۲۰- ≠
 ۲۱- ≠

ج عَيِّنْ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ: (کلمه غریبه را در هر مجموعه مشخص کن.)

- ۲۲- اِسْتِهْزَأَ ☐ عَابَ ☐ لَمَزَ ☐ تَابَ ☐
 ۲۳- الْإِثْمُ ☐ التَّوْبَةُ ☐ الْخَطِيئَةُ ☐ الذَّنْبُ ☐
 ۲۴- الذَّهَبُ ☐ الْفِصَّةُ ☐ الْحَسَبُ ☐ الْحَدِيدُ ☐

د اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ: (مفرد یا جمع کلمات را بنویس.)

- ۲۵- دُعَاءٌ:
 ۲۶- بِيْرَوَالٌ:
 ۲۷- سِعْرٌ:
 ۲۸- لَوْنٌ:
 ۲۹- سَبَبٌ:
 ۳۰- خُلُقٌ:
 ۳۱- لَقَبٌ:
 ۳۲- أَفْضَلُ:
 ۳۳- مَيِّتٌ:
 ۳۴- مَصْنَعٌ:
 ۳۵- مَلْعَبٌ:
 ۳۶- بَسَاتِينٌ:
 ۳۷- كِبَائِرُ:
 ۳۸- فَسَاتِينٌ:
 ۳۹- رَجَالٌ:
 ۴۰- أَسْرَارٌ:
 ۴۱- أَسْمَاءٌ:
 ۴۲- عُيُوبٌ:
 ۴۳- مَكَاتِبٌ:
 ۴۴- سَوَرٌ:
 ۴۵- مَنَازِلٌ:
 ۴۶- أَعَاظِمٌ:

مهارت ترجمه به فارسی

ه ترجمه عبارات التالیة: (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- ۴۷- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ»
 ۴۸- خَيْرِ إخوانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ.
 ۴۹- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»
 ۵۰- لَا تَسْخَرْ إمْرَأَةً الْأُخْرَى عَسَى أَنْ تَكُنْ خَيْرًا مِنْهَا.
 ۵۱- «رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»
 ۵۲- «أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ»
 ۵۳- «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»
 ۵۴- «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ»
 ۵۵- «أَيُّ حُبِّ أَحَدِكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ»
 ۵۶- قَدْ يَكُونُ بَيْنَ زَمَلَانِي مَنْ هُوَ أَذْكَى مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَدْرُسَ مَعَهُ.
 ۵۷- لَا تَجَسَّسُوا فِي أُمُورِ أَصْدِقَائِكُمْ وَلَا تَعْتَبُوا بَعْضَكُمْ بَعْضًا.
- و انتخب الترجمة الصحيحة: (ترجمه صحیح را انتخاب کن.)
- ۶۸- «إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ»
 (۱) به راستی خداوند توبه‌پذیر مهربان است.
 ۶۹- أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.
 (۱) بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.
 ۷۰- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِنْهُ.
 (۱) عیب بزرگ‌تر این‌که آن‌چه را که مانند آن در توست عیب گرفتی.
 (۲) بزرگ‌ترین عیب این است که آن‌چه را که مانند آن در توست عیب بگیری.
 ۷۱- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
 (۱) دشمنی دانا بهترین دوستی نادان است.
 ۷۲- «إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»
 (۱) همانا تو دانای نهانی.
 (۲) دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است.
 (۲) قطعاً تو بسیار دانای نهان‌ها هستی.

ز كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.)

- ۷۳- «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ»
 و با آن‌ها به روشی که است بحث کن. به راستی پروردگارت به کسی که از راه او گمراه شد است.
 ۷۴- يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ، يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ، يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ، يَا غَافِرَ الْخَطَايَا.
 ای عیب‌ها، ای نهان‌ها، ای هر عیب‌داری، ای خطاها.
 ۷۵- «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» در حالی که آخرت و است.
 ۷۶- أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ. زیور انسان همراه ایمان است.

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

ح ترجمه الكلمات التي تحتها خط: (کلماتی را که زیرش خط کشیده شده، ترجمه کن.)

- ۷۷- اسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنَ الْقُرْآنِ.
 ۷۸- اسْتَغْفِرِ اللَّهَ.
 ۷۹- تَنَصَّحْنَا الْآيَةَ.
 ۸۰- أَيَّامُ الْإِمْتِحَانِ كَانَتْ تَقْتَرِبُ.
 ۸۱- انْكَسَرَ الرَّجَاجُ.
 ۸۲- تَلَقَّبَ الْإِبِلُ بِسَفِينَةِ الصَّحْرَاءِ.
 ۸۳- الْبَائِعُ سَوْفَ يَتَبَادَلُ الْمَلَابِسَ.
 ۸۴- أَعْطِنِي بِرَوَالًا.
 ۸۵- هَلْ تَعَلَّمْتَ الدُّرُوسَ.
 ۸۶- لَا تَعْيَبُوا الْآخِرِينَ.

ط تَرْجِمِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَاسْمَ الْمَفْعُولِ وَاسْمَ الْمُبَالِغَةِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ وَاسْمَ الْمَكَانِ: (اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم تفضيل و اسم مكان را ترجمه كن.)

- ۸۷- يا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ. / ۹۳- يا عَفَّارَ الذُّنُوبِ. /
 ۸۸- تَنْقُلُ النَّاقِلَاتُ النَّفْطَ إِلَى الْمَخَارِنِ. / ۹۴- السُّكُوتُ خَيْرٌ مِنَ الْكَلَامِ. /
 ۸۹- أَحَبَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. / ۹۵- عَيْنَ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ. /
 ۹۰- يا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ. / ۹۶- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوُجْهِينِ. /
 ۹۱- الْعَمَالُ ذَهَبُوا إِلَى الْمَصْنَعِ. / ۹۷- أَصْدِقَائِي ذَهَبُوا إِلَى الْمَلْعَبِ. /
 ۹۲- يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. /

ی عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ ثُمَّ تَرْجِمْهَا: (نوع فعل ها را مشخص كن سپس آن ها را ترجمه كن.)

- ۹۸- لِمَاذَا لَا تَجْتَنِبُونَ مِنَ الظَّنِّ؟! / ۱۰۲- اَلرَّمْلَاءُ كَانُوا يَتَعَارَفُونَ مَعَ بَعْضٍ. /
 ۹۹- سُئِلَ التَّلْمِيزُ. / ۱۰۳- سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. /
 ۱۰۰- أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، اتَّقُوا اللَّهَ. / ۱۰۴- لَا تَسَافِرْ بِالسِّيَارَةِ. /
 ۱۰۱- سَوْفَ أَعْلَمُ الدَّرُوسَ. / ۱۰۵- أَحْسِنْ إِلَى الْفُقَرَاءِ. /

ك ضَعْ فِي الْفَرَاقَاتِ كَلِمَاتٍ مَنَاسِبَةً: (در جاهای خالی، کلماتی مناسب قرار بده.)

- ۱۰۶- تَأْخُذُ الْفَائِزَةُ جَائِزَةً دَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزَةُ السَّانِيَةُ جَائِزَةً فَضِيَّةً. (الأوَّلُ ☐ الأولى ☐)
 ۱۰۷- أَرْبَعَةٌ وَ سِتُّونَ نَاقِصٌ خَمْسَةَ عَشَرَ يُسَاوِي (تِسْعَةٌ وَ أَرْبَعِينَ ☐ أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسِينَ ☐)
 ۱۰۸- مَنْ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِ. (اتَّقَى ☐ إغْتَابَ ☐ لَقَّبَ ☐)
 ۱۰۹- أَرَادَ الْمُشْتَرِي السَّعْرَ. (تَخْفِيزُ ☐ لَوْنُ ☐ نَوْعِيَّةُ ☐)

ل اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَائِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ: (عملیات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.)

(+ زائد / - ناقص / ÷ تقسیم علی / × ضرب فی)

- خَمْسَةٌ وَ ثَمَانُونَ زَائِدٌ خَمْسَةَ عَشَرَ يُسَاوِي مِئَةً. $۸۵ + ۱۵ = ۱۰۰$
 ۱۱۰- سِتَّةٌ وَ خَمْسُونَ نَاقِصٌ أَرْبَعَةٌ وَ عَشْرِينَ يُسَاوِي اثْنَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ. / ۱۱۲- خَمْسُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ. /
 ۱۱۱- سَبْعَةٌ فِي ثَلَاثَةِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ عَشْرِينَ. / ۱۱۳- سِتَّةٌ عَشَرَ زَائِدٌ أَرْبَعَةَ عَشَرَ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ. /

م عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (نقش کلماتی را که زیرش خط است، مشخص كن.)

- ۱۱۴- عَادَاةً الْعَاقِلُ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. / ۱۱۷- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. /
 ۱۱۵- «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا» / ۱۱۸- «لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ» /
 ۱۱۶- اَلسُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. / ۱۱۹- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. /

ن عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ ثُمَّ تَرْجِمِ ذَلِكَ الْفِعْلَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (فعل مجهول را در هر عبارتی مشخص كن سپس آن فعل را به فارسی ترجمه كن.)

- ۱۲۰- سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ /
 ۱۲۱- «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظَلَّمُونَ شَيْئًا» /
 ۱۲۲- حُرِّمَ الْإِسْتِهْزَاءُ وَ الْغَيْبَةُ. /

س عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَاسْمَ الْمَفْعُولِ وَاسْمَ الْمُبَالِغَةِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ وَاسْمَ الْمَكَانِ ثُمَّ تَرْجِمْهَا:

(اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم تفضيل و اسم مكان را مشخص كن، سپس آن ها را ترجمه كن.)

- ۱۲۳- يا سَتَّارَ الْغُيُوبِ. / ۱۲۸- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ الْمُسْرِفِينَ» /
 ۱۲۴- أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. / ۱۲۹- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. /
 ۱۲۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. / ۱۳۰- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ. /
 ۱۲۶- «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ» / ۱۳۱- أَكْبَرُ الْمَكْتَبَةِ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ فِي جَنْدِي سَابُور. /
 ۱۲۷- لَا تَعْيِبُوا الْآخَرِينَ. / ۱۳۲- هُوَ أَعْلَمُ لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَطَاعِمِ. /

مهارت درک و فهم

ع ۱۳۳- الکیائر (در دایره عدد مناسب را قرار بده).

- ۱۳۳- الکیائر
 ۱۳۴- الغبیة
 ۱۳۵- التَّجَسُّسُ
 ۱۳۶- المِیْتُ
 ۱۳۷- سوء الظَّنَّ
 ۱۳۸- التَّوْبَةُ
 ۱۳۹- الله
 ۱۴۰- الإستهزاء
- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا.
 ○ إِيْتَاهُمْ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطَقِيٍّ.
 ○ الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ.
 ○ تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.
 ○ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ مِنْ عِبَادِهِ.
 ○ ذَكَرَ عُيُوبِ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ.
 ○ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ.
 ○ اَلْتَّذَمُّ عَلَى الْخَطَايَا وَالسَّعْيُ لِتَعْوِضِهَا.

ف ۱۴۱- إِيْرَأِ النَّصَّ الْقُرْآنِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (متن قرآنی را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنْ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾

- ۱۴۱- بِمَاذَا تُشَبَّهَ الْغَيْبَةُ؟
 ۱۴۲- لِمَاذَا عَلَيْنَا أَنْ نَجْتَنِبَ مِنَ الظَّنِّ؟
 ۱۴۳- هَلْ يَجُوزُ إِسْتِهْزَاءُ الْآخَرِينَ؟ لِمَاذَا؟
 ۱۴۴- مَا مَعْنَى «لَا تَلْمِزُوا» وَ «أَنْ يَأْكُلَ» فِي هَذَا النَّصِّ؟

مهارت مکالمه

ص ۱۴۵- أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (به سؤال ها پاسخ بده).

- ۱۴۵- كَيْفَ حَالُكَ؟
 ۱۴۶- كَمْ عُمْرُكَ؟
 ۱۴۷- مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
 ۱۴۸- مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟

ق ۱۴۹- رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالَ وَ جَوَابًا صَحِيحًا مِنَ الْجَوَابِ: (کلمات را مرتب کن و سؤال و پاسخی درست از گفت و گو را بنویس).

- ۱۴۹- صَارَ / أَعْطَانِي / التَّخْفِيفُ / تَسْعِينَ / كَمْ / أَلْفَ / بَعْدَ / تُوْمَانٍ / الْمَبْلَغُ / ؟ / ۱۵۰- أَلَوَانٍ / لَوْنٍ / أَيُّ / عِنْدَنَا / عِنْدَكُمْ / كُلُّ / ؟ / ۱۵۱- هَذِهِ / الْأَسْعَارُ / بِكُمْ / مِنْ / تُوْمَانٍ / خَمْسَةِ وَ سِتِّينَ / الْفَسَاتِينِ / أَلْفًا / تَسْعِينَ / إِلَى / تَبْدَأُ / تُوْمَانٍ / أَلْفًا / ؟ /

پاسخ سؤالات امتحانی درس اول

۱. پیراهن - زرد
۲. مغازه - ارزان
۳. ارتباط - پیشرفت
۴. ریشخند کردن - زشت
۵. بد است - آلوده شدن به گناه
۶. نامیدن - گناه
۷. إثم = ذنب (گناه)
۸. کَرِهَ = قَبِيح (زشت)
۹. عَابَ = لَمَزَ (عیب‌دار کرد = عیب گرفت)
۱۰. قَدْ (بر سر فعل مضارع) = عَسَى (گاهی = شاید)
۱۱. نَصِيحَةٌ = مَوْعِظَةٌ (پند)
۱۲. خَفِيَ = سَتَرَ (پنهان شد = پوشیده شد)
۱۳. إِسْتِهْزَأَ = سَخِرَ (مسخره کرد)
۱۴. تَنَابَزَ = لَقَّبَ (با لقب [بد] خواند = لقب داد)
۱۵. صَغَائِرٌ ≠ كِبَائِرٌ (گناهان کوچک ≠ گناهان بزرگ)
۱۶. أَحَلَّ ≠ حَرَّمَ (حلال کرد ≠ حرام کرد)
۱۷. مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ (مرده ≠ زنده)
۱۸. رَخِيسٌ ≠ غَالِي (ارزان ≠ گران)

۵۷. در کارهای دوستانان جاسوسی نکنید؛ و غیبتِ همدیگر را نکنید.
۵۸. چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! این همان است که خداوند وعده داد و پیامبران راست گفتند.
۵۹. آیهٔ اول از سورهٔ حجرات ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید عیب‌جویی دیگران را نکنید.
۶۰. هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود پس او بدتر از چارپایان است.
۶۱. خداوند از همهٔ فرزندان بشر می‌خواهد که نباید یکدیگر را با لقب‌هایی زشت، لقب دهند.
۶۲. جاسوسی تلاشی زشت برای کشف رازهای مردم برای رسواکردنشان است.
۶۳. کتابخانهٔ جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم بود.
۶۴. بعضی از مفسران سورهٔ حجرات را که این دو آیه در آن آمده، سورهٔ اخلاق نامیدند.
۶۵. غیبت از اخلاق‌های بد در مکتب ماست و آن از گناهان بزرگ است.
۶۶. فروشنده به مشتری شلوا را به قیمت هشتاد و پنج هزار تومان داد.
۶۷. تو می‌توانی لباس‌های بهتری را از مغازهٔ همکارم بخری.
۶۸. (۲) به راستی خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.
۶۹. بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.
۷۰. (۲) بزرگ‌ترین عیب این است که آن‌چه را که مانند آن در توست عیب بگیری.
۷۱. (۲) دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است.
۷۲. (۲) قطعاً تو بسیار دانای نهان‌ها هستی.
۷۳. بهتر، نیکوتر (أَحْسَنُ) - داناتر (أَعْلَمُ)
۷۴. بسیار پوشاننده (سَتَّار؛ اسم مبالغه است). - بسیار دانا (عَلَّام؛ اسم مبالغه است). - پوشاننده (سائر؛ اسم فاعل است). - آمرزنده (غافر؛ اسم فاعل است).
۷۵. بهتر و پایدارتر (خَيْرٌ و أَبْقَى؛ اسم تفضیل هستند).
۷۶. نیکوترین، بهترین (أَحْسَنُ؛ اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه است). - آرامش (السَّكِينَةُ)
۷۷. استخراج کن (فعل امر)
۷۸. آرمزش می‌خواهم (فعل مضارع)
۷۹. ما را پند می‌دهد (فعل مضارع با ضمیر متصل «نا»)
۸۰. نزدیک می‌شد (فعل ماضی استمراری)
۸۱. شکسته شد (فعل ماضی)
۸۲. لقب داده می‌شود (مضارع مجهول)
۸۳. عوض خواهد کرد، داد و ستد خواهد کرد (فعل مستقبل)
۸۴. به من بده (فعل امر با ضمیر متصل «ی»)
۸۵. یاد گرفتید (فعل ماضی)
۸۶. عیب‌جویی نکنید (فعل نهی)
۸۷. شنواترین (اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه) - شنوندگان (اسم فاعل)
۸۸. نفتکش‌ها (اسم فاعل) - انبارها (اسم مکان)
۸۹. دوست داشتنی‌ترین (اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه) - سودمندترین (اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه)
۹۰. بهترین (اسم تفضیل به همراه مضاف‌الیه) - آفرینندگان (اسم فاعل)
۹۱. کارگران (اسم فاعل) - کارخانه (اسم مکان)

۱۹. إِيْتَعَذَرَ (دور شد ≠ نزدیک شد)
۲۰. تَابَ (توبه کرد ≠ خطا کرد)
۲۱. سَوَّءَ الظَّنَّ (بدگمانی ≠ خوش‌گمانی)
۲۲. تَابَ: توبه کرد - سایر کلمات از افعال ناپسند هستند: (اسْتَهْزَأَ: ریشخند کرد - عَابَ: عیب‌جویی کرد - لَمَزَ: عیب گرفت)
۲۳. التَّوْبَةُ: توبه - سایر کلمات در مورد خطا و گناه هستند: (الْإِثْمُ و الذَّنْبُ: گناه - الْخَطَأُ: خطا و اشتباه)
۲۴. الخشب: چوب - سایر کلمات از فلزات هستند: (الذَّهَبُ: طلا - الفِضَّةُ: نقره - الحَدِيدُ: آهن)
۲۵. أَدْعِيَةٌ (دعاها)
۲۶. سِرَاوِيل (شلوارها)
۲۷. أُسْعَار (قیمت‌ها)
۲۸. أَلْوَان (رنگ‌ها)
۲۹. أَسْبَاب (علت‌ها)
۳۰. أَخْلَاق (خوی‌ها)
۳۱. أَلْقَاب (لقب‌ها)
۳۲. أَفْضَل (شایسته‌ترها، شایستگان)
۳۳. أَمْوَات، مَوْتَى (مردگان)
۳۴. مَصَانِع (کارخانه‌ها)
۳۵. مَلَاعِب (ورزشگاه‌ها)
۳۶. بُسْتَان (باغ)
۳۷. كَبِيرَةٌ (گناه بزرگ)
۳۸. قُسْتَان (پیراهن زنانه)
۳۹. رَجُل (مرد)
۴۰. سِرَّ (راز)
۴۱. إِسْم (نام)
۴۲. عَيْب (نقص، کمبود)
۴۳. مَكْتَب (کتابخانه)
۴۴. سُورَةُ (سوره)
۴۵. مَنْزِل (خانه)
۴۶. أُعْظِم (بزرگ‌تر)
۴۷. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند کنید، شاید آن‌ها بهتر از [خودشان] باشند.
۴۸. بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.
۴۹. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید (دوری کنید) به راستی بعضی از گمان‌ها گناه است.
۵۰. زنی نباید زنی دیگر را مسخره کند، شاید که بهتر از او [خودش] باشد.
۵۱. پروردگارا، ایمان آوردیم پس ما را ببخشای (بیامرز) و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.
۵۲. خداوند آرامش را بر پیامبر خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد.
۵۳. شب قدر بهتر از هزار ماه است.
۵۴. و از خودتان عیب نگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید.
۵۵. آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد، پس آن را ناپسند می‌دارید.
۵۶. گاهی بین هم‌شاگردی‌هایم کسی می‌باشد که او باهوش‌تر از ما است، پس بر ما لازم است که با او درس بخوانیم.

۹۲. مهربان ترین، رحم کننده ترین (اسم تفضیل به همراه مضاف الیه) - مهربانان، رحم کنندگان (اسم فاعل)
۹۳. بسیار آموخته (اسم مبالغه)
۹۴. بهتر، خوبتر (اسم تفضیل؛ بعد از «خیر» حرف جر «من» آمده است و به شکل صفت برتر ترجمه می شود).
۹۵. خواسته شده (اسم مفعول)
۹۶. بدترین (اسم تفضیل)
۹۷. ورزشگاه (اسم مکان)
۹۸. فعل مضارع منفی - دوری نمی کنید
۹۹. فعل ماضی مجهول - پرسیده شد
۱۰۰. فعل امر - پروا کنید
۱۰۱. فعل مستقبل (آینده) - آموزش خواهم داد، یاد خواهم داد
۱۰۲. معادل ماضی استمراری - با هم آشنا می شدند
۱۰۳. فعل ماضی مجهول - پرسیده شد
۱۰۴. فعل نهی - سفر نکن
۱۰۵. فعل امر - نیکی کن
۱۰۶. الأولی؛ عدد ترتیبی است و برای اسم مؤنث قبل از خود (الفائزۃ) نقش صفت را دارد بنابراین باید مؤنث بیاید.
۱۰۷. تسعة و أربعین (چهل و نه)؛ ترجمه عبارت: «شصت و چهار منهای پانزده مساوی است با چهل و نه».
۱۰۸. إغتاب؛ ترجمه عبارت: «هر کس غیبت مؤمنی را کند از او باید پوزش بخواهد».
۱۰۹. تخفیف؛ ترجمه عبارت: «خریدار تخفیف قیمت خواست».
۱۱۰. $۳۲ - ۲۴ = ۸$
۱۱۱. $۳ \times ۷ = ۲۱$
۱۱۲. $۵۰ \div ۲ = ۲۵$
۱۱۳. $۱۶ + ۱۴ = ۳۰$
۱۱۴. العاقل؛ مضاف الیه - صدأقة؛ مجرور به حرف جر
۱۱۵. الله؛ فاعل - نفساً؛ مفعول
۱۱۶. الشکوۃ؛ مبتدا - فِضَّة؛ خبر
۱۱۷. الکسب؛ خبر - الحلال؛ مجرور به حرف جر
۱۱۸. من؛ فاعل - الغیب؛ مفعول
۱۱۹. حسن؛ مبتدا - نصف؛ خبر
۱۲۰. سئل؛ فعل ماضی مجهول (پرسیده شد)
۱۲۱. لا یظلمون؛ فعل مضارع منفی مجهول (ظلم نمی شوند)
۱۲۲. حرم؛ فعل ماضی مجهول (حرام شد)
۱۲۳. ستار؛ اسم مبالغه (بسیار پوشاننده)
۱۲۴. الظالمون (مفرد: الظالم)؛ اسم فاعل (ستمکاران)
۱۲۵. أثقل؛ اسم تفضیل (سنگین تر)؛ بعد از آن حرف جر آمده، بنابراین با پسوند «تر» ترجمه می شود.
۱۲۶. المشرق - المغرب؛ اسم مکان (مشرق، خاور - مغرب، باختر)
۱۲۷. الآخرين (مفرد: الآخر)؛ اسم تفضیل (دیگران)
۱۲۸. المُسْرِفین (مفرد: المُسْرِف)؛ اسم فاعل (اسراف کنندگان)
۱۲۹. خیر؛ اسم تفضیل (بهترین)؛ بعد از «خیر» مضاف الیه آمده است - أوسط؛ اسم تفضیل (میانه ترین)؛ بعد از آن مضاف الیه آمده است
۱۳۰. سُر؛ اسم تفضیل (بدترین)؛ بعد از «سُر» مضاف الیه آمده است.

۱۳۱. اکبر؛ اسم تفضیل (بزرگ ترین)؛ بعد از آن مضاف الیه آمده، بنابراین با پسوند «ترین» ترجمه می شود. - المکتبة؛ اسم مکان (کتابخانه)
۱۳۲. أعلم؛ اسم تفضیل (داناتر)؛ بعد از آن حرف جر آمده، بنابراین با پسوند «تر» ترجمه می شود. - المَطَاعِم (مفرد آن «المَطْعَم»): اسم مکان (رستوران ها)
۱۳۳. الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ. (گناهان بزرگ): الْكِبَائِرُ؛ گناهان بزرگ
۱۳۴. ذَكَرَ غُيُوبَ الْآخِرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ. (ذکر عیب های دیگران با سخن پنهانی): الْغَيْبَةُ؛ غیبت کردن
۱۳۵. مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ. (تلاشی زشت برای کشف رازهای دیگران): التَّجَسُّسُ؛ جاسوسی کردن
۱۳۶. الَّذِي لَيْسَ حَيًّا. (کسی که زنده نیست): الْمَيِّتُ؛ مرده
۱۳۷. إِنْهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مُنطَقِيٍّ. (تهمت زدن شخصی به شخصی دیگر بدون دلیل منطقی): سوء الظَّن؛ بدگمانی
۱۳۸. اتَّذَمَّ عَلَى الْخَطَايَا وَالسَّعْيِ لِتَعْوِضِهَا. (پشیمانی بر خطاها و تلاش به جبران آن ها): التَّوْبَةُ؛ توبه کردن
۱۳۹. الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ مِنْ عِبَادِهِ. (کسی که توبه را از بندگانش می پذیرد): الله؛ خداوند
۱۴۰. تَسْمِيَةُ الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ. (نامیدن دیگران با نام های زشت): الاستهزاء؛ ریشخند کردن

درک مطلب

ای کسانی که ایمان آوردید، نباید مردمانی، مردمانی دیگر را مسخره کنند، شاید که [آن ها] بهتر از خودشان باشند و از خودتان عیب نگیرید و به یکدیگر لقب های زشت ندهید. ای کسانی که ایمان آوردید، از بسیاری از گمان ها دوری کنید همانا برخی از گمان ها گناه است و [در کار یکدیگر] جاسوسی نکنید و غیبت همدیگر را نکنید، آیا کسی از شما دوست می دارد که گوشت برادرش را که مرده، بخورد؛ پس آن را ناپسند داشتید.

۱۴۱. غیبت به چه چیزی تشبیه می شود؟ تُشَبَّهَ الْغَيْبَةُ بِأَكْلِ لَحْمِ الْإِخِ الْمَيِّتِ. (غیبت به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه می شود).
۱۴۲. چرا باید از گمان دوری کنیم؟ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِنْهَامٌ. (زیرا بعضی از گمان ها گناه است).

۱۴۳. آیا ریشخند کردن دیگران جایز است؟ چرا؟ لا، لا يجوز. عَسَى الْآخَرُونَ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنَّا. (نه، جایز نیست. شاید دیگران بهتر از ما باشند).
۱۴۴. ترجمه «لا تلمزوا» و «أَنْ يَأْكُلَ» در این متن چیست؟ لا تلمزوا؛ عیب نگیرید - أَنْ يَأْكُلَ؛ که بخورد

۱۴۵. أَنَا بِخَيْرٍ. (من خوبم)
۱۴۶. عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَشْرَ عَامًا. (سَنَمَ شانزده سال است. (شانزده ساله ام)).
۱۴۷. إِسْمِي مُحَمَّدٌ. (اسم من محمد است).
۱۴۸. أَنَا مِنْ مَدِينَةِ نَوْرٍ. (من از شهر نور هستم).

۱۴۹. كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟ أَطْعَمْتَنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ تِسْعِينَ أَلْفَ تَوْمَانٍ. (چقدر شد؟ بعد از تخفیف نود هزار تومان به من بده).

۱۵۰. أَيُّ أَلْوَانٍ عِنْدَكُمْ؟ عِنْدَنَا كُلُّ لَوْنٍ. (چه رنگ هایی دارید؟ هر رنگی داریم).
۱۵۱. بِكَمْ تَوْمَانٍ هَذِهِ الْفَسَاتِينُ؟ تَبَدُّ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَتِسْعِينَ أَلْفًا إِلَى تِسْعِينَ أَلْفَ تَوْمَانٍ. (این پیراهن های زنانه چند تومان است؟ قیمت ها از شصت و پنج هزار شروع می شود تا نود هزار تومان).